



اشاره:

بی تردید، ماهواره‌ها نقش عمده و تعیین کننده‌ای در سمت و سو دادن به مطالبات مردم دارند. دهکده جهانی مک‌لوهان نیز با این امکان عملی می‌شود و شعار «جهان وطنی» از این بستر، امکان تعامل و نزدیکی فرهنگ‌ها را فراهم می‌کند. ماهواره‌ها در حوزه سیاست، اقتصاد، فرهنگ، هنر و... آخرین دست‌آورد‌های روز را برای مردم تمام دنیا عرضه می‌کنند. جهان ماهواره‌ای، کره‌خاکی را همچون استودیوی حقیری، زیر پرژکتورهای خود در محاصره دارد. به آسانی می‌تواند روی آن چه می‌خواهد زوم کند و آن چه را تاب نمی‌آورد، در سایه قرار دهد. برای بشر در عرصه تکنولوژی شاید این بزرگ‌ترین غنیمت ممکن برای تعامل و نزدیکی باشد. به راستی در این شرایط اجتناب ناپذیر و غیر قابل مهار، سهم ما از این دست‌آورد در این رابطه یک‌سویه چیست؟

• ما؛ ناگزیر یا در گریز؟

واقعیت این است که ما در این کشمکش ناگزیر و با احتساب توانمندی‌های محدود و محذورات اخلاقی، مغبون هستیم. برای گریز از این موقعیت اجتناب ناپذیر، آیا استفاده از اهرم قانون، به‌تیهایی می‌تواند ما را از این تهاجم مصون دارد؟ شیخون فرهنگی به فرموده رهبر انقلاب، یک واقعیت غیر قابل انکار است. نسل امروز ما با تناسب شرایط جهانی، مطالبات خاص خود را دنبال می‌کند. حذف این مطالبات، نه امکان‌پذیر و نه عقلانی است. دست‌آورد‌های تکنولوژیک در عرصه رسانه‌ای، به‌زودی مخاطبان را از نصب دیش‌ها روی یامبی‌نیاز می‌کند. در این شرایط، اهرم‌های قانونی هم قادر به مهار این پدیده نخواهد بود. ابزار دریافت امواج، هر لحظه و ثانیه نامریی‌تر می‌شوند. به راستی چه باید کرد؟

• فرهنگ؛ سیبل دشمن

رویکرد دشمن به عرصه فرهنگ با هدف گردبسی در بنیان‌های ارزشی این انقلاب،

نکته پنهانی نیست. با اندکی جست‌وجو در اظهارات تئوری‌پردازان آمریکایی می‌توان به گفته‌های آشکاری در این باره دست یافت. دیوید کیو، یکی از ماموران سازمان سیا، به لحاظ اهمیت مقوله فرهنگ در تغییر جسترهای فرهنگی انقلاب ایران برای هر گونه تغییر و یا استحاله سیاسی می‌گوید: **مهم ترین حرکت در جهت براندازی جمهوری اسلامی، تغییر فرهنگ جامعه فعلی ایران است و ما مصمم به آن هستیم.**

هویت، ص ۱۸
این استراتژی که نخست، با زمینه‌سازی بازگشت عناصر فرهنگی غرب به ایران آغاز شد، به تدریج با افشای ماهیت این جریان، راه کارهای کم‌هزینه‌تری برای استحاله پیش گرفتند. ایجاد شبکه‌های ماهواره‌ای، در واقع عرصه‌های جدیدی شدند که از آن سوی دنیا، انقلاب اسلامی را در معرض تهاجم قرار دادند. با آغاز نخستین برنامه‌های ماهواره‌ای رادیو و تلویزیون آمریکا به زبان فارسی، جفری کان، مدیر این شبکه در اهمیت این ارتباط ماهواره‌ای می‌گوید:

با آن که آتن‌های بشقابی در ایران ممنوع اعلام شده‌اند؛ ولی به اعتقاد ما صدها هزار آتن بشقابی در ایران نصب شده‌اند که می‌توان به وسیله آن‌ها برنامه‌های بخش فارسی صدای آمریکا را دریافت کرد.

صدای آمریکا ۲۷/۷۵
در ادامه روند افزایش شبکه‌های ماهواره‌ای با روشن‌فکران وابسته به غرب، اکنون تعداد این شبکه‌ها به تعداد قابل ملاحظه‌ای افزایش یافته است. در بهمن ماه ۱۳۷۸، کنت نیرمن، از اعضای ارشد سیا و کارشناس جنگ روانی در عرصه بین‌المللی، به لحاظ اهمیت تراکم شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی زبان و شیوع آتن‌های ماهواره‌ای در ایران می‌گوید: **هدف افزایش شبکه‌های ماهواره‌ای، تغییر ماهیت و جوهره رژیم اسلامی است و در**

حقیقت، نتیجه تغییر این ماهیت و سرنوشتی این رژیم، یکی است. استراتژیی مقابله با ایران باید اهداف و ماهیت رژیم اسلامی ایران را دقیقاً مورد بررسی قرار دهد و بعد به این بپردازد که ما چگونه می‌توانیم از نقاط قوت خود برای تضعیف این رژیم و بهره‌برداری از تناقضات درون آن استفاده کنیم و این موقعیت را به وجود بیاوریم که این رژیم، با دست خودش قبر خود را بکند.

انقلاب و روشنفکران ص ۲۵۸

با این حساب، باید پذیرفت که شبکه‌های فارسی زبان ماهواره‌ای در مقایسه با دیگر شبکه‌ها، تاثیر دوجندانی بر نسل جوان ما می‌گذارند.

• شبکه‌های لس‌آنجلسی

شبکه‌های لس‌آنجلسی به دو دسته تقسیم می‌شوند:

گروهی که ظاهراً بدون موضع‌گیری سیاسی درباره ایران، تنها فعالیت خوانندگان ایرانی خارج از کشور را پوشش می‌دهند.

گروه دیگر، شبکه‌های موسوم به اپوزیسیون‌اند که مجموع فعالیت‌های مخالفان را در خارج از کشور پوشش می‌دهند.

هر یک از این دو جریان، هدف‌های مشخص و خاصی را در راستای استحاله و تهاجم فرهنگی و سیاسی دنبال می‌کنند. آن چه در این میان اهمیت دارد، شیوه عملکرد گروه نخست یا به اصطلاح شبکه‌های بشکن و بالا انداز است. این گروه، در پوشش انفعال سیاسی و گاه، حمایت تلویحی از جمهوری اسلامی و حتی احترام به باورهای اعتقادی و اخلاقی مردم، می‌کوشند نخست به‌گونه‌ای برای خود در نزد خانواده‌های مذهبی، کسب مشروعیت کنند.

آن‌ها از یک سو با تعدیل و یا حتی تعطیل برنامه‌های عادی خود در مناسبت‌های مذهبی و گاه حتی با اظهار احترام به شعایر مذهبی تلاش می‌کنند فاصله خود را با خانواده‌ای

ایرانی کم و با اعتمادسازی، این مهم را القا کنند که فعالیت‌های آنان هیچ مغایرتی با مبانی دینی و شرعی ندارد. در این راستا، گاهی اقدام به پخش فیلم‌ها و سریال‌های تولید شده در ایران می‌کنند. این شیوه، ناخواسته، به گونه‌ای برای نسل جوان و مسلمان این توهّم را ایجاد می‌کند که مشروعیت این عملکرد را نوعی قرائت تازه از دین به حساب می‌آورند که هیچ مغایرتی با اعتقادات و مبانی دینی ندارد.

گروه دیگر، شبکه‌های سیاسی است که هر کدام، بنا به اهداف خاصی که دنبال می‌کنند از موضع مخالفت با جمهوری اسلامی، اساسی‌ترین مبانی تفکر دینی را به چالش می‌کشند. برنامه‌های این گروه، آشکارا مبانی دینی را مورد استهزا قرار می‌دهد. این اهانت‌ها به اندازه‌ای است که چند روز اخیر، مدیر یکی از این شبکه‌ها با شکایت تعدادی از مسلمانان انگلیس دستگیر و روانه زندان شد. شبکه‌های موسوم به لس‌آنجلسی، بنا به اعتراف گردانندگان آن‌ها، هر یک به نوعی از طریق کنگره، سیا و وزارت امور خارجه آمریکا حمایت مالی می‌شوند. آن‌ها اگر چه در ظاهر با یکدیگر مخالف و علیه هم موضع‌گیری می‌کنند، اما در واقع این نزاع‌های زرگری بخشی از استراتژی آن‌ها برای جلب افشار گوناگون است.

• ماهواره؛ پرنده خوشبختی غرب

ماهواره‌ها در واقع، آخرین دست‌آورد‌های رسانه‌ای غرب برای تحقق اهدافی است که از سال‌ها پیش و با اتخاذ دکترین آمریکا برای رویارویی با انقلاب اسلامی، تحت عنوان «تهاجم فرهنگی» تدارک شده بود. در واقع این ابزار، به غرب این امکان را می‌دهد تا اینک از مسیری سراسر و کم هزینه و با هدف قراردادن باورهای دینی و مبانی اخلاقی، محتوای این انقلاب را دستخوش چالش‌های تدریجی و القای فرهنگ انفعال و

ماهوره



• امید رهگذر

بی تفاوتی قرار دهد.

در چنین شرایطی، چانه زنی برای اعمال محدودیت‌های قانونی برای استفاده از ماهواره، سرنوشتی مشابه ممنوعیت ویدئو در ابتدای انقلاب خواهد داشت.

سلطه رسانه‌ای غرب و به ویژه آمریکا، امروز توانسته است در پرتو استیلا و القای مولفه‌های خود، سلیقه‌ها و گرایش‌های فرهنگی را به سمت تامین منافع خود هدایت کند.

• چرا انفعال؟!

مشکل اساسی جامعه ما برای تعدیل و مقابله با تاثیرهای ماهواره، فقدان رقابت سالم در تامین برنامه‌های داخلی است. ایجاد شبکه‌های خصوصی با نظارت اهل فن، می‌تواند بخش عمده‌ای از گرایش به برنامه‌های ماهواره‌ای را کاهش دهد.

پذیرش این فرض که شبکه‌های ماهواره‌ای یکسره درجهت تخریب مبانی اخلاقی و فکری ما تنظیم شده‌اند، به همان اندازه ساده‌نگری است که انفعال کامل در قبال آن‌ها. بخشی از تاثیرهای این پدیده بر شرایط اجتماعی ما محصول ارتباط اجتناب ناپذیر آن و بخش دیگر، محصول اهداف استراتژیک غرب و عناصر خود فروخته است.

انفعال بخشی از نیروهای متدین ما نسبت به اهمیت پدیده‌های ارتباط جمعی از جمله ماهورها و بی تفاوتی نسبت به اتخاذ راهکارهای اساسی، بدون توسل به اهرم‌های قانونی، از جمله ممنوعیت و یا محدودیت، زمینه را برای ادامه روند پلاکلیفی مدیریت کلان اجتماعی در مقابله عقلانی با این پدیده تشدید می‌کند.

همه ما جوان هستیم و جوان باید شاد باشد. ای بابا! بر منکرش لعنت! بعضی‌ها با شعری از حافظ یا سعدی شاد می‌شوند. بقیه این بعضی‌های دیگر هم با چیزهایی دیگر. این وسط یک بعضی‌های دیگر هستند که بلا به دور، بلا به نزدیک، چون می‌خواهند آخر خوشی باشند (البته به نقل از خودشان)، به سراغ وسایلی می‌روند که اگر نروند، برایشان افت کلاس دارد و یک جور عقب ماندگی حساب می‌شود. آن وقت، توی در و همسایه و فک و فامیل سر که نمی‌توانند بلند کنند هیچ، خودشان را در خانه به حبس ابد محکوم می‌کنند! آن‌هم با اعمال شاقه! این جور آدم‌ها، ماهواره را برتلوبیزون و برنامه‌های آن ترجیح می‌دهند هیچ، قربان! آنتن ماهواره‌شان هم می‌روند که برکت (!) را به خانه آن‌ها آورده! البته آن‌ها از نظر خودشان برای کارشان، چند دلیل اصلی و دندان شکن دارند به سراغ بقال محله رفتیم؛ کسی که اهالی محل به او end ماهواره می‌گویند و کلی برایش عزت و احترام قائل هستند! آن قدر که روی اسمش حتی قسم هم می‌خورند! او هم با صداقت تمام و کمال، جواب ما را داد و دلایل خود را این‌طور بیان کرد:

۱. خیلی خیلی بسیار مهم و حیاتی است که بفهمیم آن طرف‌ها چه می‌گذرد و چه خبر است!
۲. باید ظرفیت‌مان را بالا ببریم و جنبه دین خیلی چیزها را داشته باشیم!
۳. چون جنبه‌اش را داریم، طبیعی است که تأثیر بد روی ما نمی‌گذارد؛ تازه ما خودمان روی ماهواره تأثیر خوب می‌گذاریم! اصلاً مگر ما بچه هستیم که از رقص‌های ماهواره برای عروسی‌هایمان تقلید کنیم یا ...؟
۴. گفتیم که شما نمی‌فهمید! ما جنبه‌اش را

داریم. بعد هم، آدم داریم تا آدم. از نظر ما، بدآموزی معنایی ندارد و مختص به سنین پیش از دبستان و گروه سنی الف و زیر الف است. ۵. تصویر خودتان است! کیفیت برنامه‌های ماهواره خیلی خوب است؛ هم صدا را داریم، هم تصویر را. تازه، تکراری هم در کار نیست!

ع کار من و امثال من نه تأیید است، نه تعریف. من گناهی ندارم؛ چون فقط تماشاگر هستم. یک نگاه هم که خودتان بهتر می‌دانید حلال است! ۷. باید به روز باشیم و بدانیم چه مدل لباس، کفش، جوراب، شلوار، رقص، یا حرفی تازه به بازار می‌آید می‌دانید که در جریان امور بودن، وظیفه خطیری است!

۸. ما آن قدر سطح بالا هستیم که آرزوها و ایده‌آل‌هایمان را در آن‌جا پیدا می‌کنیم؛ مثل آقای ... خواننده مورد نظر ما که ترانه ... را به سبک ... خوانده و کارهای مهم دیگری هم در برنامه‌های ماهواره‌ای انجام می‌دهد. بالاخره این‌طور که نمی‌شود؛ ما باید برای رسیدن به ایده‌آل‌هایمان تلاش کنیم!

۹. اصلاً داداش من! می‌دانی که ما به دنیا آمده‌ایم تا تفریح کنیم؛ هرکسی هم یک جوری حال خودش را می‌کند؛ ما هم با روش خودمان حال و زندگی می‌کنیم.

۱۰. کی؟ کجاست؟ من کی هستم؟ شما کی هستید؟ اصلاً این‌جا کجاست؟

جمعش کن داداش! مفت و مجانی از فکر من استفاده می‌کنی، آخرش هم دو قورت و نیمات هنوز باقی است. جمعش کن تا نزد ...

• شکرخند